



بررسی مجازات مجرمین سیاسی

پدیدآورنده (ها) : پیوندی، غلامرضا

میان رشته ای :: نشریه رواق اندیشه :: خرداد و تیر ۱۳۸۱ - شماره ۸

صفحات : از ۷۱ تا ۸۸

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/24541>

تاریخ داندلود : ۱۴۰۲/۰۲/۰۵

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و برگرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- نگرشی نو به قانون جرم سیاسی(۱۳۹۵)
- سیاست جنایی ایران در جرایم سیاسی
- مبانی نظری برخورد ارفاقی با مجرمین سیاسی تأملی در طرح جرم سیاسی
- درآمدی بر مسأله ی بغی و باغی در فقه شیعه و تطبیق آن بر جرم سیاسی
- بخش ترجمه: مسأله ی جرم سیاسی در حقوق استرداد مجرمان
- بغی و ارکان تشکیل دهنده از منظر فقه و حقوق کیفری ایران
- بررسی جایگاه امنیت گرایی در سیاست کیفری ایران و آمریکا
- بررسی فقهی جرم سیاسی بغی و نقش توبه در تخفیف مجازات آن
- نگرشی بر جرم سیاسی
- بایسته های تعریف جرم سیاسی در قاموس حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران
- هیات نظارت در پرتو اصل دادرسی منصفانه
- تعریف جرم سیاسی؛ الزام غیر مصلحت‌گرایانه قانون اساسی

عناوین مشابه

- بررسی تأثیر مجازات مجرمین مواد مخدر بر کیفیت زندگی خانواده های آنان : مورد مطالعه خانواده های زندانیان مواد مخدر شهر شیراز
- بررسی فقهی جرم سیاسی بغی و نقش توبه در تخفیف مجازات آن
- دلالت های سیاسی نظریه بریث ویت در مجازات مجرمین
- بررسی جرم بغی در فقه مذاهب اسلامی و تطبیق آن با قوانین مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۴
- جایگاه مصلحت اندیشی در مجازات مجرمین اقتصادی در سیاست جنایی ایران و فقه مبتنی بر جامعه شناسی سیاسی
- بررسی شرط انتفاء ابوت در مجازات جرم سرقت از منظر جامعه شناسی سیاسی و دیدگاه فقه فریقین
- بررسی تاثیر مجازات های جایگزین حبس بر بازاجتماعی شدن مجرمین و پیشگیری از تکرار جرم
- چگونگی ساخت کانال سوئز توسط داریوش و بررسی تأثیر سیاسی - اقتصادی آن در دوره هخامنشیان
- بررسی استرس های شغلی مدیران: مهارت سیاسی و گریز از فشارهای حرفه ای
- بررسی منابع درسی تحولات سیاسی - اجتماعی ایران - ۱ و ۲ -

بررسی مجازات مجرمین سیاسی

غلامرضا پیوندی*

چکیده

اندیشه تفکیک جرایم سیاسی از جرایم عمومی از آغاز تشکیل حکومتها و پیدایش حقوق کیفری، وجود داشته و هم اینک نیز ادامه دارد، اما آنچه که طی قرون گذشته تاکنون دست خوش تغییر و تحول قرار گرفته، موضوع نحوه برخورد با این دسته از مجرمین بوده است. مسأله مقابله با پدیده مجرمانه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مجرمین سیاسی بخش خاصی از مجرمین می‌باشند که برخورد با آنها در طول تاریخ، گاه بسیار سخت‌گیرانه و گاهی نیز با ملایمت بوده است. در تحقیق حاضر ابتدا سیر تحول مجازاتهای مجرمین سیاسی مورد بررسی قرار گرفته، آنگاه به مجازاتهای پیش‌بینی شده در قوانین بعضی از کشورها نظیر فرانسه، لبنان، سوریه، عراق و مصر اشاره می‌شود و در پایان نیز مجازاتهایی که برای مجرمین سیاسی در قوانین ایران وضع شده است مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مقدمه

اصولاً مجازات دارای سابقه‌ای طولانی در تاریخ بشری است و از زمانی که انسانها برای زندگی اجتماعی گرد هم آمده‌اند، بزه و جرم نیز وجود داشته و همواره جوامع بشری برای مقابله با جرایم از حربه‌ای استفاده کرده‌اند. مجازاتها در اوایل توسعه حقوق کیفری بسیار شدید و سبُعانه بوده و به اصل

* - مدرس دانشگاه، محقق، نویسنده و کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی.

شخصی بودن مجازات‌ها نیز توجهی نمی‌شده است و مجازات‌ها بر پایه انتقام‌جویی استوار بوده است.^۱ در دورانهای قدیم مجازات‌ها همواره بر پایه دفاع از غرایزی مانند حفظ حیات، حفظ مال و یا دفاع از مقررات قبیله‌ای و سنتهای قومی و مذهبی بوده است که این موضوع امروزه نیز در بعضی از مناطق وجود دارد. بعدها دانشمندانی مانند «گروسیوس»^۲ با رد حق انتقام‌جویی مبنای مجازات را سزای بدی دانسته و معتقد بودند حق کیفر و مجازات از بدی جرم، ناشی می‌شود. این اندیشه از اواخر قرن هفدهم و اوایل قرن هیجدهم از میان رفت و تفکر اصل سودمندی در حقوق ظهور پیدا کرد و وظیفه دولت بر اساس قرارداد اجتماعی، حفظ امنیت و آرامش اجتماعی استوار گشت.^۳

یکی از صاحب‌نظران علم جرم‌شناسی می‌گوید:

«کیفر همیشه و همه جا واکنش هیأت اجتماع علیه عملی است که او را می‌رنجاند، اما این واکنش بر حسب سطح فرهنگ بسیار متفاوت است. در حالی که نقش کیفر در جوامع نوین ما، قبلاً ارهاب و سزا دادن بود ولی امروزه تأمین بازگشت بزهدار به آغوش جامعه است، مع الوصف مفهوم آن در جوامع باستانی کاملاً متفاوت است.»^۴

موضوع مقابله با پدیده‌های مجرمانه از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ چه، این مسأله در مباحث «سیاست جنایی»، راههای مقابله با پدیده بزهداری را مورد بررسی قرار می‌دهد. اصطلاح سیاست جنایی برای نخستین بار در اواخر قرن هیجدهم در آثار «کلاینشرد» و «فوئر باخ» آلمانی که آن را یک هنر قانونگذاری تلقی می‌کردند، بکار برده شده است. «کلاینشرد» در تعریف سیاست جنایی می‌گوید:

«[سیاست جنایی] عبارت است از شناخت ابزارها و امکاناتی که قانونگذار می‌تواند به حسب مقررات خاص حکومت متبوع خود، به منظور جلوگیری از ارتکاب جرایم و حمایت از حقوق طبیعی شهروندان بیابد.»^۵

1. Clarkson, C. M. V, understanding criminal law, First published, London, 1987, p.17.

۲ - حقوقدان هلندی که به پدر حقوق بین‌الملل معروف است.

۳ - زان پرادل، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳، صص ۳۲ - ۳۱.

۴ - ریچوندگسن، جرم‌شناسی نظری، ترجمه مهدی کی‌نیا، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴، ص ۲۷.

۵ - کریستین لازرژ، سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، مؤسسه نشر یلدا، تهران، چاپ اول،

لازم به ذکر است که سیاست جنایی هر جامعه با توجه به مکتب فکری حاکم بر آن تهیه و تدوین می‌شود. همچنین بررسی و تجزیه و تحلیل اهداف و فلسفه مجازات‌ها یکی از مباحثی است که کیفر شناسان به طور گسترده و عمیق به آن پرداخته‌اند. نظر به این که مجرمین سیاسی در زمره گروه خاصی از مجرمین بوده و دارای هدف اصلاح طلبانه و شرافتمندانه می‌باشند، اندیشه تخفیف مجازات نسبت به آنها رو به گسترش است. در این پژوهش ابتدا به نحو اجمال، سیر تحول مجازات‌ها نسبت به مجرمین سیاسی، مورد امعان نظر قرار می‌گیرد، سپس مجازات‌های مجرمین سیاسی در قوانین بعضی از کشورها و همچنین قوانین ایران مورد بررسی قرار خواهد گرفت. بنابراین مطالب مورد نظر در دو گفتار زیر ارائه می‌شود:

گفتار اول: سیر تحول مجازات‌های مجرمین سیاسی

گفتار دوم: مجازات‌های مجرمین سیاسی

گفتار اول: سیر تحول مجازات‌های مجرمین سیاسی

بررسی دوره‌های مختلف تاریخ علوم کیفری، نشانگر وجود دو دیدگاه متضاد درباره مجازات‌های مجرمین سیاسی از نظر برخورد شدید و همراه با شدت عمل، یا برخورد همراه با اغماض و ارفاق می‌باشد. امروزه نیز دو دیدگاه مذکور، در سیاست جنایی کشورها وجود دارد. البته اندیشه ارفاق نسبت به مجرمین سیاسی از طرفداران زیادتری برخوردار است.

دیدگاه اول این است که بر اساس ضروری که از جرایم سیاسی حاصل می‌شود، باید مجازات‌های شدیدتری نسبت به جرایم عادی درباره مجرمین سیاسی اعمال شود؛ زیرا ضرر و صدماتی که از جرایم سیاسی بوجود می‌آید، متوجه کل جامعه خواهد شد و ضرر آنها متوجه شخص و یا گروه خاصی نخواهد بود؛ حتی گاهی به حاکمیت دولت از لحاظ بین‌المللی نیز لطمه می‌زند. دیدگاه دوم آن است که مجرم سیاسی به دنبال اصلاح جامعه بوده و نفع شخصی را در نظر نمی‌گیرد و دارای انگیزه شرافتمندانه است. از این رو، او مستحق ارفاق است و باید مجازات‌های خفیفتری درباره‌اش اعمال گردد.^۱

اثرات دیدگاه اول از گذشته‌های بسیار دور مورد توجه بوده است و از دوران باستان تا اوایل قرن نوزدهم سخت‌ترین مجازات‌ها و شکنجه‌ها را نسبت به مجرمین سیاسی اعمال می‌کردند.^۱ مورخین مجازات‌هایی را نسبت به مجرمین سیاسی نقل کرده‌اند که از لحاظ شدت و قساوت، همانندی ندارد. سلاطین و شاهان برای حفظ حاکمیت و سلطنت خود به شدیدترین مجازات‌ها متوسل می‌شدند؛ همچنان که نقل شده است، در قانون امپراطور روم، اموال شخص مرتکب به خیانت بزرگ مصادره می‌شده و او را با بدترین شکل ممکن اعدام می‌کردند؛ حتی اگر در زمان حیات نیز به او دسترسی پیدا نمی‌کردند، مرده او را مورد محاکمه و مجازات قرار می‌دادند. همچنین مجازات کسانی که متعرض امپراطور یا نمایندگان و یا یکی از اطرافیان او می‌شدند، مرگ، گرفتن اموال خائن و مصادره آن پیش‌بینی شده بود و حتی برخی از افراد خانواده و فرزندان مجرم را نیز کشته یا بر آنها مهر ننگ و عار می‌زدند؛^۲ برای مثال فرزندان مجرم سیاسی را تنها نمی‌کشتند، بلکه ابتدا آنها را به سختی شکنجه روحی می‌دادند؛ بدین صورت که فرزندان مجرم را در محل کشتن وی می‌آوردند تا خون پدرشان در موقع جدا کردن سر، روی آنها بریزد و بعد از آن فرزند بزرگتر خانواده را می‌کشتند.

سخت‌گیریهایی مذکور ناشی از تفکراتی بود که در میان سلاطین و امپراطورها وجود داشته که خودشان را حق مطلق می‌دانستند و بعضی از آنها خود را نماینده خدا بر روی زمین می‌دانستند. بر این اساس مخالفین خود را به سخت‌ترین شکل ممکن مجازات و آنها را از بین می‌بردند. این موضوع در امپراطوری ایران نیز وجود داشته است.

ملوک و سلاطین مصر باستان نیز مخالفین خود را خائنان بزرگی که مستحق مهربانی و عطف نیستند به حساب می‌آوردند. همچنین در هند قدیم، قوانین «مانو» سلاطین را به مثابه نمایندگان خدا می‌دانستند و هیچ تعرضی را علیه آنها قابل تخفیف و اغماض نمی‌دانستند. در چین قدیم نیز همین مسائل مطرح بوده است. در ابتدای ظهور مسیحیت نیز حکومت و سلطنت را به عنوان حکومتی که از طرف خداوند برگزیده شده، می‌پنداشتند و اطاعت از آنها را واجب و به هیچ نحوی مخالفت با آن را نمی‌پذیرفتند. از این رو اظهار مخالفت و ارتکاب جرم علیه حکومت را جنایتی بزرگ می‌دانستند و

۱ - عدنان الخطیب، النظریات العامة للجريمة فی القانون السوری، بی تا، سال ۱۹۵۷، ص ۱۹۹.

۲ - خالد رشید الجمیلی، احکام البغاة و المحاربین فی الشریعة و القانون، دار الحزبة للطباعة، بغداد، ج ۱، صص ۲۰-۱۵.

سخت‌ترین مجازات‌ها را برای این نوع مجرمین در نظر می‌گرفتند.^۱ این تفکر که مجرم سیاسی دشمن اجتماع بوده و ضروری است از جامعه حذف گردد در کشورهای مغرب زمین تا اوایل قرن نوزدهم ادامه داشته است. در این دوران تفکر حمایت از حقوق افراد در ترمذ از ظلم و استبداد و انقلاب‌های پی در پی علیه ظلم سلاطین بوجود آمد. تعلیمات دانشمندان بزرگی در جهان غرب که تفکرات آزادی خواهی را ترویج می‌کردند، موجب تحول اساسی در خصوص مجازات‌های مجرمین سیاسی گردید. «فرانسوا گیزو» یکی از کسانی بود که معتقد بود ضروری است مجرم سیاسی از مجرم عادی از نظر مجازات تفکیک شود؛ زیرا عقلاً ممکن نیست مجرمی که به دنبال منافع شخصی و پست است با مجرمی که اصلاح جامعه را می‌خواهد مساوی بدانیم؛ در نتیجه معتقد بود باید مجازات اعدام را درباره این نوع مجرمین لغو کرد. پس از او «گارو فالو» همین افکار را تقویت و ترویج کرد.

برای اولین بار در قانون جزای سال ۱۸۳۲ فرانسه، مجازات‌های خفیف‌تری نسبت به مجرمین سیاسی در نظر گرفته شد. سپس در سال ۱۸۴۸ مجازات اعدام نسبت به مجرمین سیاسی لغو و مجازات تبعید در قلعه‌های مستحکم جایگزین آن گردید و عدم استرداد مجرمین سیاسی نیز پیش‌بینی شد. این تحول در مغرب زمین بعد از انقلاب کبیر فرانسه بر اساس این نگرش بوجود آمد که مجرمین سیاسی دارای انگیزه شرافتمندانه و به دنبال اصلاح جامعه می‌باشند؛ بر خلاف گذشته که آنها را دشمنان جامعه و مردم فرض می‌کردند.

همچنین در قانون اساسی سوییس مصوب ۱۸۴۸، مجازات اعدام نسبت به مجرمین سیاسی لغو گردید و در قانون اساسی سال ۱۹۷۴، اعدام در تمام موارد لغو شد، اما در قانون مجازات سوئد، مجازات اعدام در تمام موارد لغو شد، ولی برای جرایم سیاسی و قتل نفس همچنان تا مدتی باقی ماند. همچنین دولت‌های ایتالیا و آلمان روش قانونگذار فرانسه را نپذیرفتند. دولت‌های کمونیستی نیز چنین تخفیفی را نسبت به مجرمین سیاسی پذیرا نشدند. البته لغو مجازات اعدام بر اساس این استدلال بود که این مجازات نتوانسته است، جنایات علیه حکومتها و سوء قصدها علیه سران مملکتی را کاهش دهد؛ زیرا این اعمال به نام آزادی و آزادی خواهی صورت می‌گیرد و حتی نام او بر سر زبانها خواهد بود. به علاوه کسی که برای اصلاح و نجات کشور خود دست به اسلحه می‌برد، از مرگ نمی‌ترسد تا مجازات اعدام نسبت به او مؤثر باشد. در نتیجه تهدید و اعدام توانایی لازم برای

جلوگیری از جنایات سیاسی را ندارند.^۱ این تفکر و تحول مجازات مجرمین سیاسی تا جنگهای جهانی اول و دوم ادامه داشت، ولی بعد از این دو حادثه مهم به خاطر بوجود آمدن حکومتهای دیکتاتوری مانند حکومت فاشیستی و کمونیستی مجدداً جرایم سیاسی خطرناکترین جرایم به حساب آورده شد. از این رو آزادیهای عمومی را محدود کردند و مجازاتها نسبت به مجرمین سیاسی شدت پیدا کرد؛ چه در تمام قوانینی که بین دو جنگ جهانی و به دنبال جنگ جهانی دوم وضع گردید، مجازاتهای سختی برای مجرمین سیاسی در نظر گرفته شد.^۲

در دوران معاصر نیز می‌توان دو دیدگاهی که به آن اشاره شد را در کشورها مشاهده کرد، اگر چه از نظر قوانین و تفکرات امروزی اکثریت کشورها، رژیم ارفاکی را در مورد مجازات مجرمین سیاسی پذیرفته‌اند. حداقل از لحاظ قوانین پذیرفته شده است که باید مجازات خفیفتری نسبت به مجرمین عادی برای مجرمین سیاسی در نظر گرفت، لکن در عمل هنوز در برخی از موارد سخت‌گیریهایی وجود دارد، البته این بدان معنا نیست که تمام کشورها مجازاتهای سنگین مانند اعدام را نسبت به مجرمین سیاسی لغو کرده باشند به همین جهت در دوران معاصر نیز در رژیمهایی که دارای حکومتهای استبدادی و دیکتاتوری هستند و خواست مردم در استقرار حاکمیت و دوام آن نقشی ندارد، مجازاتهای سنگین نسبت به مجرمین سیاسی وجود دارد، البته ممکن است از لحاظ ظاهری و قوانین موجود، مسأله به شکل دیگری نمایانده شود.

در قوانین ایران نیز تحول خاصی نسبت به مجازاتهای مجرمین سیاسی به چشم نمی‌خورد، اگر چه از سال ۱۲۸۶ هجری شمسی با تصویب متمم قانون اساسی جرایم سیاسی از جرایم عمومی تفکیک شد، ولی در قوانین عادی جرم سیاسی تعریف نشد و مقررات خاصی درباره آنها وضع نگردید. قوانین جزایی قبل از انقلاب مجازاتهای متعددی از قبیل اعدام، حبس جنایی درجه یک (از هفت تا پانزده سال)، حبس جنایی درجه دو (از دو تا ده سال)، محرومیت از تمام یا بعضی از حقوق اجتماعی و مجازات نقدی پیش‌بینی کرده بود.^۳

۱- شمس الدین امیر علائی، مجازات اعدام، چاپخانه مجلس، تهران، بی جا، بی تا، صص ۱۰۱-۹۷.

۲- محمد الفاضل، محاضرات فی الجرائم السياسية، جامعة الدول العربية معهد الدراسات العربية العالمية، ۱۹۶۲م، صص ۵۸.

۳- ر.ک: مواد ۷۰الی ۹۲ قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۵۲؛ همچنین مواد ۳۱۰ و ۳۱۳الی ۳۲۰ قانون دادرسی و کیفر ارتش، مصوب ۱۳۱۸.

بعد از پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷ قوانین قبلی به کلی نسخ شد و با تصویب قانون اساسی و تفکیک جرایم سیاسی از جرایم عمومی، باز هم جرم سیاسی تعریف نشد و همچنین حدود و ثغور و شرایط آن مشخص نگردید و مبهم باقی ماند. در قانون مجازات اسلامی و تعزیرات نیز جرایمی که دارای ماهیت سیاسی هستند آورده شد، ولی نامی از سیاسی بودن آنها به میان نیامده و نسبت به آنها مجازاتهای تعزیری و بازدارنده و همچنین در بعضی موارد به عنوان محارب و در بعضی موارد به عنوان «در حکم محارب» مجازاتهای محاربه درباره آنها پیش‌بینی شد. همان طور که در ادامه مباحث خواهیم گفت اگر جرمی سیاسی باشد، اعمال کیفر محارب نسبت به آن منطقی نیست؛ چون بین جرم سیاسی و کیفر محارب تفاوت بسیار است.

لازم به ذکر است که جرایم علیه امنیت خارجی در اکثر کشورها از زمره جرایم سیاسی استثنا گردیده است. نکته دیگر این که اگر جرایم علیه امنیت داخلی همراه با اعمال خشونت و قتل و... صورت گیرد، سیاسی بودن آن از بین می‌رود و در زمره جرایم عادی قرار می‌گیرد.

گفتار دوم: مجازاتهای مجرمین سیاسی

در سیستمهای حقوقی کشورهایی که بر پایه دموکراسی استوار بوده و همچنین کشورهایی که آرای مردم در تعیین حاکمیت دخیل است، مجازاتهای مجرمین سیاسی در مقایسه با مجازات مجرمین عادی از شدت کمتری برخوردار بوده و یک نوع رژیم ارفاقی در خصوص مجازاتهای این دسته از مجرمین اعمال می‌گردد. حال برای آشنایی هر چه بیشتر از مجازاتهای مجرمین سیاسی، ابتدا قوانین بعضی از کشورها را مرور می‌کنیم و سپس به بررسی واکنش قانونگذار ایران در قبال مجرمین سیاسی خواهیم پرداخت.

الف) مجازاتهای مجرمین سیاسی در قوانین بعضی از کشورها

مجازاتهای مقرر برای مجرمین سیاسی در قوانین بعضی از کشورها خفیفتر بوده و در صورت تساوی بعضی از مجازاتها مثل حبس، در مرحله اجرا با شرایط بهتر اعمال می‌گردد. حال به قوانین بعضی از کشورها در این خصوص اشاره می‌شود:

۱- قوانین فرانسه^۱

۱/۱- مجازات اعدام: از تاریخ اصلاحات حقوق جزا در سال ۱۸۳۲م. دو جدول جداگانه از مجازاتهای جنایی برای جرایم جنایی سیاسی و عمومی در نظر گرفته شد، البته در قانون فعلی فرانسه مجازاتهای تردیلی، تبعید و محرومیت از حقوق اجتماعی، حذف و تنها مجازات حبس جنایی دائمی و موقت باقی مانده است.

همان طور که قبلاً نیز اشاره کردیم، قانون اساسی ۴ نوامبر ۱۸۴۸م. مجازات اعدام را نسبت به مجرم سیاسی لغو کرد و در قانون ۸ ژوئن ۱۸۵۰ تبعید در حصار و قلعه مستحکم را جایگزین آن ساخت. با این حال لایحه قانونی ۲۹ ژوئیه ۱۹۳۹ نسبت به جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی مجازات عمومی اعدام را پیش‌بینی کرده بود، با این که هنوز دارای خصیصه سیاسی بودند. از این رو بدون تردید مجازات اعدام مجدداً در کشور فرانسه نسبت به مجرمین سیاسی برقرار گردید، البته فرق مجازات اعدام درباره مجرمین سیاسی با اعدام درباره مجرمین عمومی این بود که آنها را تیرباران می‌کردند، ولی اعدام مجرمین عادی سربریدن بوده است. بعضی از محکومیت‌های اعدام از طرف دیوان فرانسه که بالغ بر ۳۴ فقره از بین سالهای ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۴ بوده است، نسبت به جرایم سیاسی بوده است. این وضعیت ادامه داشته تا این که در سال ۱۹۸۱ قانون، مجازات اعدام را به طور کلی (اعم از سیاسی و عمومی) لغو کرد.

۱/۲- حبس جنایی سیاسی دائم: این مجازات جانشین مجازات تبعید گردید که بر اساس ماده ۱۷ قانون قبلی با انتقال به ماورای دریاها اجرا می‌شد و دائمی بود و اکنون در داخل و در مؤسسات اختصاصی اجرا می‌شود، البته مجازات تبعید برای جرم علیه منافع اساسی مردم که خیانت و جاسوسی باشد، هم اکنون نیز پیش‌بینی شده است.

۱/۳- حبس جنایی سیاسی موقت: این نوع مجازات نسبت به جرایم سیاسی و عمومی تفاوتی نداشته و دارای سه درجه ۱۵، ۲۰ و ۳۰ سال می‌باشد.

۱/۴- جرایم سیاسی جنایی ممکن است علاوه بر حبس، جزای نقدی و مجازاتهای تکمیلی نیز

۱- گاستون استفانی و دیگران، حقوق جزای عمومی، ج ۲، صص ۶۵۰-۶۴۸ عبدالحسین علی آبادی، حقوق جنایی، چاپخانه بانک ملی ایران، چاپ اول، سال ۱۳۵۲، ج ۲، صص ۸-۷.

به همراه داشته باشد، البته در گذشته محرومیت از حقوق اجتماعی که در حال حاضر بر اساس ماده ۵- ۴۱۴ فرانسه به عنوان مجازاتهای تکمیلی است، در خصوص مجرم سیاسی به عنوان مجازات اصلی، پیش‌بینی شده بود.

۲- قانون مجازات لبنان و سوریه

قوانین جزایی کشورهای سوریه و لبنان نیز مجازاتهای مجرمین سیاسی را از مجرمین عادی تفکیک و مجازاتهای سبکتری را نسبت به مجرمین سیاسی پیش‌بینی کرده‌اند.

ماده ۳۸ قانون مجازات سوریه و لبنان مقرر می‌دارد:

«مجازاتهای جنایی سیاسی عبارتند از: حبس ابد، حبس موقت، اقامت اجباری و

محرومیت از حقوق اجتماعی.»^۱

همچنین ماده ۳۹ قانون مزبور مقرر می‌دارد:

«مجازاتهای جنحه‌های سیاسی عبارتند از: حبس ساده، اقامت اجباری و جزای

نقدی.»^۲

همان گونه که ملاحظه می‌شود قانونگذاران سوریه و لبنان مجازات اعدام و حبس همراه با اعمال شاقه را از زمره مجازاتهای جرایم جنایی سیاسی و نیز حبس همراه با کار کردن را در جرایم جنحه‌ای سیاسی حذف کرده‌اند. فرقی که قوانین مزبور با قانون فرانسه دارد، در این است که در قانون مجازات فرانسه بین مجازاتهای جرایم جنحه‌ای سیاسی و عمومی تفاوتی قائل نشده است. مگر همان مسائلی که در نحوه برخورد در زندان که مجرمین سیاسی دارای مقررات آزادتر و راحت‌تری هستند.

همچنین ماده ۱۹۸ قانون مجازات لبنان و ماده ۱۹۷ قانون مجازات سوریه تصریح می‌کند:

۱- زمانی که برای قاضی محرز گردید که جرم دارای خصیصه سیاسی است، مجازاتهای زیر را

مورد حکم قرار دهد:

۱ - «ان العقوبات الجنائية السياسية هي: ۱- الاعتقال المؤبد. ۲- الاعتقال الموقت. ۳- الإقامة الجبرية. ۴- التجريد المدني» (ر.ک: عدنان الخطيب، پیشین، ص ۲۰۶؛ قانون العقوبات (سوریه)، تدوین ممدوح عطری، ص ۲۵).
۲ - «ان العقوبات الجنحية السياسية هي: ۱- الحبس البسيط ۲- الإقامة الجبرية ۳- الغرامة.» (همان).

- حبس ابد به جای مجازات اعدام و حبس ابد همراه با اعمال شاقه.
- حبس موقت، یا تبعید، یا اقامت اجباری جنایی، یا محرومیت از حقوق اجتماعی به جای حبس موقت همراه با اعمال شاقه.
- حبس ساده یا اقامت اجباری جتجه‌ای به جای حبس همراه با کار کردن.
- لکن این احکام شامل جرایم علیه امنیت خارجی کشور نمی‌شود.^۱

۳- قانون مجازات مصر

در قانون مصر قواعد مشخص و معینی برای جرایم سیاسی در نظر گرفته نشده است. از لحاظ مجازات نیز بین جرایم عادی و سیاسی تفاوتی وجود ندارد بلکه در بعضی از موارد داشتن انگیزه سیاسی در ارتکاب جرم از شرایط مشدده کیفی به حساب آمده است؛ مثل جرایم علیه امنیت داخلی کشور (ماده ۱۰۲ قانون مجازات مصر) البته امتیازاتی نیز برای مجرم سیاسی در بعضی از موارد پیش‌بینی شده است؛ مثل جرایمی که از طریق نشر مطالب در روزنامه‌ها ارتکاب می‌یابد، حبس احتیاطی (بازداشت موقت) آنها جایز نیست، مگر این که علیه آبروی افراد انجام شده باشد و یا این که ارتکاب جرم به فساد اخلاق منجر شود.^۲

همچنین مجرمین سیاسی از عفو کامل برخوردار هستند. ماده ۱ قانون مجازات ۱۹۵۲ مقرر می‌دارد: تمام مجرمین به جنایات و جنحه و شروع در آنها که به سبب یا انگیزه سیاسی مرتکب جرم شده باشند و جرم آنها مربوط به شوون داخلی کشور باشد، مورد عفو قرار می‌گیرند، این جرایم می‌بایست بین ۲۶ آگوست ۱۹۳۶ و ۲۲ ژوئیه ۱۹۵۲ ارتکاب یافته باشند...»^۳

البته بعضی از حقوقدانان مصری تصریح کرده‌اند که در حقوق مصر تقسیم کردن جرایم، به



۱- «اذا تحقق للقاضي ان للجريمة طابعاً سياسياً قضی بالمعقوبات التالية:

- الاعتقال المؤبد بدلاً من الاعدام أو الاشغال الشاقة.

- الاعتقال الموقت أو الابعاد أو الإقامة الجبرية الجنائية أو التجريد المدني بدلاً من الاشغال الشاقة الموقته.

- الحبس البسيط أو الإقامة الجبرية الجنحية بدلاً من الحبس مع التشفيل.

۲- و لكن هذه الاحكام لا تطبق على الجرائم الواقعة على امن الدولة الخارجی.» (همان، ص ۲۰۶).

۳- محمود، محمود مصطفی، شرح قانون المعقوبات (القسم العام) مطبعة دار الكتاب العربي، قاهره، چاپ پنجم، ۱۹۶۰، صص ۴۰ - ۳۹.

۳- همان.

جرایم سیاسی و عمومی اهمیتی ندارد مگر از لحاظ استرداد مجرمین که بر اساس ماده ۱۴۰ قانون اساسی مصر استرداد مجرمین سیاسی ممنوع شده است.^۱ البته قانون مجازات مصر برای جرایم دارای ماهیت سیاسی مجازاتی از قبیل اعدام، حبس ابد و... پیش‌بینی کرده است.^۲ از مجموع مباحث مطرح شده در این بخش می‌توان این مسأله را احساس کرد که نگاه ارفاق‌آمیز به مجرمین سیاسی مورد توجه جدی قرار گرفته است.

ب) مجازاتهای مجرمین سیاسی در قوانین ایران

از لحاظ قانونی، در کشور ایران جرایم سیاسی حتی پس از تصویب متمم قانون اساسی مشروطیت در سال ۱۲۸۶ شمسی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸ که از جرایم عمومی تفکیک گردید و رژیم ارفاقی پذیرفته شد، هنوز قوانین عادی مجازاتهای جرایم سیاسی را مشخص نکرده‌اند و در خصوص بعضی از جرایم که دارای خصیصه سیاسی هستند مجازاتهای تعزیری و بعضاً مجازاتهای جرم محارب را پیش‌بینی کرده‌اند.

شاید دلیل عمده این مطلب که از لحاظ عملی رژیم ارفاقی درباره مجازات مجرمین سیاسی پیاده نشده است، عدم وجود یک قانون عادی که مفهوم و ماهیت جرم سیاسی و همچنین مصادیق و موارد آن را مشخص کرده، باشد. چرا که اصولاً مجازات مجرمین سیاسی به دلیل شخصیت و ویژگیهای خاص آنها که در غالب این نوع مجرمین وجود دارد، نباید مجازاتهای تزدیلی^۳ و تریبی^۴ باشد؛ زیرا چنین مجازاتهایی تنها در حق مجرمان عادی که از انگیزه‌های پست و غیر شرافتمندانه و شخصی برخوردارند، باید اعمال گردد، در نتیجه بر اساس تناسب بین جرم و مجازات، لازم است در مورد مجازات مجرمین سیاسی تجدید نظر کلی صورت گیرد.

پس در قوانین ایران جرایم سیاسی در موارد مربوط به جرایم بر ضد مصالح عمومی، جرایم علیه

۱ - عبدالملک، جندی، الموسوعة الجنائية، دار العلم للجمع، بیروت، چاپ دوم، ج ۳، ص ۴۹.

۲ - خالد، رشید الجمیلی، پیشین، ص ۳۰۸ - ۳۰۷.

۳ - مجازات تزدیلی عبارت از مجازاتی است که به افتخار و شوون اجتماعی مجرم لطمه بزند؛ مانند محرومیت از حقوق اجتماعی. این مجازات مخصوص جرمهای مهم است. ر.ک: محمدجعفر، جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ص ۶۱۵.

۴ - مجازات تریبی عبارت از کیفری است که مستقیماً به بدن مجرم صدمه وارد کند؛ مانند شلاق. ر.ک: همان.

امنیت داخلی یا خارجی و... مطرح گردیده است. بعضی از محققین مجازاتهای قابل پیش‌بینی برای مجرمین سیاسی را به شرح زیر دسته‌بندی کرده‌اند:^۱

۱- مجازاتهای بدنی از قبیل اعدام، شلاق، قطع عضو و... امروزه در اکثر کشورها این نوع مجازاتها درباره مجرمین سیاسی اعمال نمی‌شود، حتی مجازات اعدام و شلاق درباره مجرمین عادی را نیز در بعضی از کشورها ممنوع کرده‌اند.

۲- مجازاتهای محدودکننده آزادی یا سلب آزادی، مانند حبس، تبعید، اقامت اجباری در محل معین^۲ یا حضور تحت مراقبت.

۳- مجازاتهای سلب حق، نظیر محرومیت از حقوق اجتماعی یا مالی یا سیاسی؛ از قبیل اشتغال به شغل معین یا الزام به انجام کار معین یا محرومیت از حقوق دیگر، البته امروزه در بعضی از کشورها مثل فرانسه مجازاتهای مذکور به عنوان مجازات اصلی استفاده نمی‌شود، ولی در کشورهای سوریه، لبنان و عراق به عنوان مجازات اصلی مجرمین سیاسی در نظر گرفته شده است.

۴- مجازاتهای نقدی که در مورد مجرمان سیاسی کمتر به موقع اجرا گذاشته می‌شود. لازم به ذکر است که در پیش‌نویس پیشنهادی کمیسیون حقوق بشر اسلامی در مورد جرایم سیاسی، مجازات مجرمین سیاسی را به طور کلی مشخص کرده است. در ماده ۲۱ پیش‌نویس یاد شده آمده است:

«مجرمان سیاسی حسب مورد به حداقل مجازات مقرر در قانون برای همان جرم محکوم

می‌شوند.»

حال با توجه به این مقدمه به بررسی و نقد مجازاتهای جرایم دارای خصیصه سیاسی که در قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده می‌پردازیم.

۱ - محمدرضا اسلامی، جرم سیاسی در حقوق ایران و مطالعه تطبیقی آن، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۰، ص ۳۴۵.

۲ - در این که آیا بین تبعید و اقامت اجباری تفاوتی هست یا خیر، اداره حقوقی وزارت دادگستری طی نظریه‌ای اعلام کرده است که: «کسانی که محکوم به تبعید شوند به تصریح ماده ۴۸۹ ق. آ. د. ک توسط مأمورین اجرای احکام به تبعیدگاه فرستاده می‌شوند و مراتب به نیروی انتظامی و حاکم محل اطلاع داده می‌شود و مدت تبعید را زیر نظر آنان می‌گذرانند، اما در مورد محکومین به اقامت اجباری چنین نصی وجود ندارد و محکوم به اقامت اجباری شخصاً به محل مراجعه و در آنجا اقامت می‌کند و حضور خود را به مقامات انتظامی محل اعلام می‌نمایند» نظریه شماره ۷/۲۸۴۹ - ۷۸/۴/۲۶.

۱- مجازات مجرمین سیاسی از طریق حد محاربه

حد، یکی از مجازات‌هایی است که در فقه اسلام دارای شرایط و تعریف خاصی است. بر اساس تصریح بسیاری از فقها تعداد حدود و نوع و اندازه آنها در شرع محدود و مشخص شده است.^۱ آنچه که مسلم است جرایم مستوجب حد در شرع مقدس احصاء شده است و موارد مشخصی به عنوان حدود مطرح شده‌اند. در هیچ کدام از متون فقهی، نامی از جرم سیاسی و حتی جرم بغی به عنوان جرم مستوجب حد به میان نیامده است. از این روی تردید جرایم سیاسی از محدوده جرایم حدی خارج هستند. جرم بغی را نیز فقها در زمره جرایم تعزیری می‌دانند و تنها در صورتی که شروع به جنگ و مبارزه کنند، جنگ و قتال با آنها مجاز شمرده شده است. همان طور که در بخش اول نیز اشاره کردیم، حتی جنگ و قتال با اهل بغی به خاطر جلوگیری از طغیان و شورش آنهاست، نه این که هدف، قتل و نابودی آنها باشد، در نتیجه مجازات مجرمین سیاسی از طریق حد محاربه دارای مبنای قوی و مستحکمی نیست؛ مضافاً به این که محاربه و جرم سیاسی دارای تفاوت جوهری هستند. محارب کسی است که برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه می‌برد،^۲ حتی بعضی از فقهای اهل سنت در خصوص محاربه تعبیر به قطاع الطريق، سرقت بزرگ و... آورده‌اند و این به دلیل شدت عملی است که در جرم محاربه نهفته است.^۳ از شرایط تحقق جرم محاربه این است که اولاً مجرم باید دارای سوء نیت عام که همان قصد استفاده از سلاح است، باشد. ثانیاً به قصد اخافه و سلب آسایش و امنیت مردم اقدام کند. به عبارت دیگر برای تحقق جرم محاربه وجود قصد عام و خاص قطعی است.^۴ بعضی از نویسندگان تأکید می‌کنند: از آنجا که محاربه، امنیت جامعه را

۱- زین الدین بن علی (شهید ثانی) العاملی، مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۱۴، ص ۳۲۵ به بعد.

۲- امام خمینی، تحریر الوسیله، مکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران، بی تا، ج ۲، مسأله ۱، ص ۶۲۲ «المحارب هو کل من جرد سلاحه او جهزه لأخافه الناس و ارادة الفساد فی الارض فی بڑکان او فی بحر، فی مصر او غیره، لیلاً او نهاراً، ولا یشتراط کونه من اهل الریبه مع تحقق ما ذکر و یتسوی فیہ الذکر و الانثی و فی ثبوتہ لمجرد سلاحه بالقصد المزبور مع کونه ضعیفاً لا یتحقق من اخافته خوف لأحد اشکال بل منع...»؛ و نیز ر.ک: ماده ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰.

۳- عباس شومان، عصمة الدم و المال فی الفقه الاسلامی، الدار الثقافه للنشر، قاهره، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق (۱۹۹۹ م)، صص ۳۸۷ - ۳۸۵.

۴- محمدجعفر حبیبزاده، محاربه در حقوق کیفری ایران، دفتر نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۹، صص ۷۵ - ۷۲.

مختل می‌سازد و امنیت راه‌های عبور مردم را از بین می‌برد و حرمت مال و خون مردم را نیز می‌شکند، باید مجازات‌های شدیدی نسبت به آن اجرا گردد.^۱ اما همان گونه که قبلاً نیز توضیح دادیم یکی از مهمترین ویژگی‌های مجرمین سیاسی حسن نیت و عدالت‌خواهی آنها است. به عبارت دیگر انگیزه مجرم سیاسی اصلاح جامعه و حتی گاهی برای نجات جامعه از سیطره حاکم فاقد صلاحیت (به نظر مجرم) می‌باشد. این در حالی است که محارب هدف اولیه و اصلی‌اش ایجاد خوف و ترس و سلب امنیت مردم است و در مرحله دوم هدفش غارت مردم و تجاوز به اموال و نفوس و اعراض آنها می‌باشد، در نتیجه اگر ناگزیر باشیم جرم سیاسی را با یکی از جرایم مطرح در فقه تطبیق و مقایسه کنیم، همان جرم بغی است.

البته در بعضی از موارد، اعمال مجرمین سیاسی همراه با خشونت و علیه امنیت اجتماعی است، ولی همانطور که قبلاً نیز گفته شد، امروزه جرایمی که با خشونت، قتل، غارت، ترور و... همراه باشند، هر چند با انگیزه و هدف سیاسی ارتکاب یابد، جرم سیاسی به شمار نمی‌آیند؛ زیرا فرض این است که مجرم سیاسی با هدف اصلاح گرایانه و انگیزه شرافتمندانه مرتکب عمل خلاف قانون می‌شود و این مسأله با قتل و سلب امنیت جامعه و مردم، ناسازگار است. از این رو در موارد اخیر می‌توان بین محاربه و اعمال مجرمانه همراه با خشونت با هدف سیاسی، مقایسه و تطبیق صورت داد.

نکته قابل توجه در این خصوص آن است که قانونگذار در سال ۱۳۷۵ با تصویب قانون تعزیرات، جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی را در کنار هم آورده است و در اکثر موارد مجازات آنها را تعزیر قرار داده است، مگر مواردی که طبق قانون عنوان محاربه بر آنها صادق باشد که در آن صورت مجازات محاربه را خواهد داشت. در واقع زمانی محارب خواهند بود که شرایط و تعریف مذکور در باب محاربه ماده ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی بر آنها صادق باشد، در غیر این صورت به مجازات تعزیری یا بازدارنده محکوم خواهد شد.^۲ البته لازم به ذکر است که بر بعضی از مواد قانون مذکور اطلاق محارب شده است که اگر جرایم علیه امنیت داخلی که با حسن نیت و بدون اعمال خشونت انجام گرفته را جرم سیاسی بدانیم، اعمال مجازات‌های محارب درباره آنها غیر منطقی است.^۳

۱ - عباس شومان، پیشین، ص ۳۸۶.

۲ - ر.ک: مواد ۴۹۸، ۵۰۸ و ۵۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵.

۳ - ر.ک: ماده ۵۰۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵.

در نتیجه اولاً مجازات کردن بعضی از مجرمین سیاسی که جرایم سیاسی مانند جرایم علیه امنیت داخلی بدون اعمال خشونت انجام داده‌اند، به مجازاتهای محارب، کاملاً متفاوت با اهداف رژیم ارفاقی درباره مجرمین سیاسی است که قانون اساسی ایران بدان تصریح کرده است. ثانیاً ماده ۱۸۶ قانون مجازات اسلامی^۱ با ماهیت جرم محاربه، سازگاری نداشته و بیشتر شبیه جرم بغی در فقه اسلامی و جرم سیاسی در حقوق موضوعه می‌باشد، البته اگر قیام مسلحانه و اعمال مجرمین همراه با خشونت و استفاده از عنف باشد، جرم از زمره رژیم ارفاقی خارج و جزء جرایم عمومی خواهد شد. ثالثاً بر اساس تصریح فقها حدود از جمله جرایمی هستند که از لحاظ تعداد و میزان مجازات آن، در شرع مقدس مشخص گردیده است. از این رو نمی‌توان جرایم دیگری را که مشمول تعریف محاربه نیستند به عنوان محاربه قرار داد و مجازاتهای جرم مذکور را نسبت به آنها اعمال نمود.

۲- مجازات مجرمین سیاسی از طریق مجازاتهای تعزیری

یکی از مجازاتهای مقرر در حقوق اسلام و همچنین قانون مجازات اسلامی، مجازاتهای تعزیری است. به طور کلی تعزیر به مجازاتهایی اطلاق می‌شود که میزان معین ندارند و بر اساس تناسب جرم و مجازات، قابل تغییرند. فقهای اسلامی در تعریف تعزیر می‌فرمایند: تعزیر در لغت به معنای تأدیب و از نظر شرعی عقوبت یا خوار داشتن است که در شرع غالباً برای آن میزان مشخصی بیان نشده است.^۲

همچنین از خصوصیات تعزیر می‌توان به مسأله متفاوت بودن میزان آن نسبت به افراد بر اساس اوضاع و احوال و... اشاره کرد، در نتیجه تعزیر شامل مواردی از قبیل وعظ، توبیخ، تازیانه، حبس، جزای نقدی، تشهیر، تبعید و قتل می‌شود،^۳ البته لازم به ذکر است که در خصوص این مسأله بین فقها اختلاف نظر وجود دارد و بعضی از فقها تعزیرات را با این گستردگی نمی‌پذیرند و حتی عده‌ای آن را در

۱- ماده ۱۸۶ ق.م.ا.: «هر گروه یا جمعیت متشکل که در برابر حکومت اسلامی قیام مسلحانه کند مادام که مرکزیت آن باقی است، تمام اعضا و هواداران آن، که موضع آن گروه یا جمعیت یا سازمان را می‌دانند و به نحوی در پیشبرد اهداف آن فعالیت و تلاش مؤثر دارند، محاربند اگر چه در شاخه نظامی شرکت نداشته باشند.»

۲- محمد فاضل لنکرانی، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیله (کتاب الحدود)، المطبعة العلمیة، قم، چاپ اول، سال ۱۴۰۶ ق، ص ۵-۴؛ همچنین ر.ک: زین الدین بن علی، العالمی، پیشین، ج ۱۴، ص ۳۲۵.

۳- ر.ک: حسین مهرپور، دیدگاههای جدید در مسائل حقوقی، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۲، صص ۱۰۵-۱۰۲.

تازیانہ منحصر می‌دانند.

با توجه به نکاتی که در خصوص تعزیرات گفته شد می‌توان به این نتیجه رسید که یکی از مجازاتهای مناسب برای مجرمین سیاسی، مجازاتهای تعزیری است. چه، همان طور که در جرم بغی نیز گذشت، حضرت علی علیه السلام بعضی از باغیان را حبس کرد؛ زیرا اساساً باید جرم بغی را در زمره جرایم تعزیری به حساب آورد،^۱ در نتیجه یکی از بهترین راه حلها در خصوص مجازات مجرمین سیاسی، در نظام حقوق کیفری اسلام استفاده از تعزیرات است که قاضی نیز می‌تواند بر اساس شرایط و اوضاع و احوال مجرم و متناسب با جرم ارتكابی، مجازاتی را تعیین کند. به عبارت دیگر پیاده کردن اصل فردی ساختن مجازاتها^۲ که در خصوص جرایم سیاسی بیش از جرایم دیگر ضروری به نظر می‌آید، امکان پذیر است. چه، در پیش نویس لایحه جرایم سیاسی که توسط کمیسیون حقوق بشر تهیه شده نیز تصریح شده است که مجرمان سیاسی بر حسب مورد به حداقل مجازات مقرر در قانون برای همان جرم محکوم می‌شوند.

۳- مجازات مجرمین سیاسی از طریق کیفرهای بازدارنده

یکی دیگر از مجازاتهایی که قانونگذار در قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی کرده است، مجازاتهای بازدارنده است.^۳ ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی مجازاتهای مذکور را این چنین تعریف می‌کند:

«مجازات بازدارنده تأدیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می‌گردد. از قبیل حبس، جزای نقدی، تعطیل محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع اقامت در نقطه یا نقاط معین و مانند آن.»

۱ - محمد سپهری، زندان از دیدگاه اسلام، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳، ص ۱۰۵-۱۰۴؛ همچنین ر.ک: میرزا حسین (محدث)، النوری الطبری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۵۷؛ محمدهادی، معرفت، بحثی در تعزیرات، مجله کانون وکلا، بهار و تابستان ۱۳۶۸، شماره ۱۴۷ - ۱۴۶، ص ۳۳ به بعد.

۲ - اصل فردی کردن مجازاتها عبارت از این است که بر اساس شرایط و اوضاع و احوال مرتکب جرم، مجازات نیز قابل تغییر باشد. این موضوع می‌تواند در قانونگذاری، مرحله صدور حکم توسط قاضی و مرحله اجرای مجازات، اعمال گردد. (برای اطلاعات بیشتر ر.ک: پرویز صانعی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، ص ۱۳۹ به بعد).

۳ - ر.ک: ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۰.

درباره ماهیت مجازات‌های بازدارنده، بعضی از حقوقدانان آنها را در زمره مجازات‌های تعزیری می‌دانند و تفاوتی میان آنها قائل نیستند^۱ جز این که تعزیرات در متون شرعی و فقهی آمده است، ولی مجازات‌های بازدارنده بر اساس شرایط زمان و مکان از طرف حکومت اسلامی تعیین می‌شود؛ نظیر مجازات‌های تخلفات رانندگی؛ زیرا، به عقیده بعضی از فقیهان معاصر مجازات‌هایی که در قوانین جزایی تحت عنوان مجازات‌های بازدارنده مطرح هستند، همان است که در کتابهای فقهی تحت عنوان احکام حکومتی آمده است. این احکام برای حفظ کیان حکومت اسلامی مقرر می‌شود و این نوع کیفر به مجازات خاصی محدود نیست بلکه حکومت اسلامی می‌تواند در مورد تمامی موضوعات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، قوانین و مقرراتی را وضع نموده و برای تخلف از آنها مجازات‌های متناسب، معین کند.^۲

در نتیجه به نظر می‌رسد یکی از مجازات‌هایی که می‌توان درباره مجرمین سیاسی پیش‌بینی کرد، مجازات‌های یاد شده باشد؛ زیرا در این نوع مجازات‌ها قانونگذار می‌تواند بر اساس نوع جرم، واکنش مناسبی را مشخص کند و از طرفی هم دست قاضی را باز بگذارد تا این که بر اساس شرایط و اوضاع و احوال ارتکاب جرم و شخصیت مجرم مجازات متناسب را مورد حکم قرار دهد. علاوه بر این که اگر عده‌ای در تعزیرات قائل به محدود بودن انواع آن شوند و یا این که آن را مختص به مجازات تازیانه بدانند - که البته نظریه صحیحی نیست -، مجازات‌های بازدارنده مناسبترین نوع مجازات‌ها برای مجرمین سیاسی خواهد بود.

نتیجه:

۱- ضروری است مجازات‌های مقرر برای مجرمین سیاسی، فاقد وصف تردیلی و تریبی بوده و مجازات اعدام نسبت به این دسته از مجرمین ممنوع گردد. همچنین برای تحقق عملی رژیم ارفاقی نسبت به مجرمین سیاسی لازم است که قانونگذار مجازات‌های تعزیری و بازدارنده را که دارای انعطاف بوده و قاضی محکمه می‌تواند بر اساس شرایط و اوضاع و احوال مجرم و جرم ارتکابی آن را

۱ - حسین مهرپور، پیشین، ص ۱۰۲؛ همچنین ر.ک: عبدالملی توجهی، لزوم تفکیک مجازات‌های بازدارنده و تعزیری، مجله دادرسی، شماره ۲۹.

۲ - محمد محمدی گیلانی، مقایسه بین احکام حکومتی و احکام ثانویه، فصلنامه رهنمون، سال اول، ش ۲ و ۳، صص ۶۵ - ۵۸.

تغییر داده، برای مجرمین سیاسی پیش‌بینی کند؛ هرچند، در مواردی این امر صورت گرفته است، ولی هنوز نواقصی از قبیل اطلاق محارب و مفسد فی الارض بر جرایم دارای ماهیت سیاسی که تفاوت جوهری با جرم سیاسی دارند، وجود دارد.

۲- اعمال مجازات‌های سنگین از قبیل مجازات‌های محارب جهت بعضی از مصادیق جرم سیاسی، غیر منطقی و با رژیم ارفاقی که با توجه به اصل ۱۶۸ قانون اساسی پذیرفته شده است، تطبیق ندارد. از این رو مشخص نمودن معیار و ملاک کاربردی و دقیق به منظور تفکیک مصادیق محاربه و جرم سیاسی اجتناب‌ناپذیر است.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

رواق اندیشه ۸



پروسی مجازات مجرمین
سیاسی